

حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی

دکتر سید محمد هاشمی *

مجتبی همتی **

حسن اسماعیل زاده ***

چکیده

از عصر روشنگری به بعد، جامعه بشری، به تعریف جدیدی از انسان و جهان پرداخت. طی این سالها، انسان بعنوان موجود ذی‌حقی شناخته شده که توانایی اداره امور شخصی و اجتماعی خود را (از طریق قراردادهای اجتماعی) دارد. به نظر می‌رسد شکل‌گیری نهادینه شدن توسعه پایدار (توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در وهله اول مستلزم توجه جدی به حقوق شهروندی می‌باشد. حقوق شهروندی دارای چهار حوزه اساسی مدنی، سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است که مشارکت رکن رکین همه حوزه‌های مذکور می‌باشد.

در کالبد شکافی مفهومی توسعه شهری مشارکتی، امر مشارکت را می‌توان در سه حوزه مشاهده کرد: مشارکت در شکل‌گیری قدرت محلی (از مردم)، مشارکت در

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانشجوی دکترای حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی.

*** دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی.

تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری توسعه (با مردم) و مشارکت در اجرای برنامه‌ها و خط‌مشی‌های توسعه (برای مردم) که می‌توان آنرا چرخه توسعه مشارکتی نام نهاد. با یک رویکرد همه‌جانبه می‌توان اذعان داشت که ریشه توسعه نیافتگی یا توسعه نامتوازن شهری و محلی، ساختاری است و در راستای توسعه بایستی علت اساسی را در عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر جستجو کرد. حق تعیین سرنوشت، عنصر بنیادین شهروندی است که از طریق مشارکت در امور جمعی تحقق پیدا می‌کند. بر این اساس، لازم است مکانیسم‌های مشارکت مطلوب شهروندی برای نیل به توسعه شهری ارائه گردد. ضمن اینکه شکل‌گیری فرهنگ سیاسی موافق با دموکراسی و حقوق بشر از رهگذر دموکراسی محلی امکان‌پذیر است که در تحقیق حاضر چگونگی این امر مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژگان

حقوق شهروندی، توسعه انسانی، مشارکت، امور شهری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مبانی نظری

۱.۱. مفهوم شهروندی

شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال تکیه و تاکید دارد.^۱ بنابر این ویژگی کلیدی معرف شهروندی که آنرا از تابعیت صرف متمایز می کند وجود اخلاق مشارکت است. شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه، بلکه یک موقعیت فعالانه است و با سلطه، ناسازگار است. همچنین ایده ای است قوی که شرافت فرد را به رسمیت می شناسد، ضمن آنکه، بستر اجتماعی را که فرد در آن عمل می کند مورد تایید قرار می دهد. فرد از طریق اعمال حقوق و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را باز تولید می کند.^۲ یک جامعه سیاسی سالم به شهروندان فعال نیاز دارد. شهروندی فعالانه با فرد آغاز می شود، چرا که از طریق اقدامات فرد است که شرایط ساختاری شهروندی، باز تولید شده و بهبود می یابد. بنابراین اصلاحات سیاسی باید با هدف بهبود فرصت های شهروندان برای اعمال حقوق و وظایف شان و بوسیله ترویج اخلاق مشارکت صورت گیرد. تنها از طریق اعمال فعالانه شهروندی است که می توان تقابل کاذب میان حقوق و مسولیت ها را از بین برد.^۳

ایده بنیادی تحقق حقوق شهروندی و نیز فعال نمودن شهروندان، داشتن حق تعیین سرنوشت از سوی افراد است که یکی از بنیادی ترین حقوق اخلاقی در حوزه حقوق مدنی-سیاسی است و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از مصادیق بارز حق تعیین سرنوشت

۱. فالکس، کیث، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۴.

۲. پیشین، صص ۱۳ و ۱۵.

۳. صرافی، مظفر؛ اسماعیل زاده، حسن، شهروندمداری، راهکاری برای حل مسائل شهری ایران، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیستم، مهر و آبان ۱۳۸۴، ص ۱۳۸.

محسوب می‌گردد. این حق، ریشه در اصل اخلاقی غایت بودن انسان و منع استفاده ابزاری از انسان (طبق نظر کانت) دارد. از آنجا که انسانها در انسان بودن با هم برابرند، اخلاقاً قابل قبول نخواهد بود که انسانهایی به خود اجازه دهند، بدون رضایت و انتخاب دیگران، بر آنها حکم برانند و آزادی آنها را محدود کنند. به عبارت دیگر اساساً نمی‌توان از یک سو از انسان مسوول و اخلاقی و همچنین نظام اجتماعی عادلانه سخن گفت و از سویی دیگر آزادی انتخاب افراد (حق انتخاب کردن و انتخاب شدن) را انکار کرد.^۴ مهمترین مکانیسم تحقق حق تعیین سرنوشت شهروندان، از طریق مشارکت در فرایند توسعه است که موضوع اصلی مقاله حاضر می‌باشد.

۲.۱. چارچوب مفهومی مشارکت

مشارکت فرایندی است که طی آن افراد، گروهها و سازمانها در انجام طرحها و برنامه‌ها با هم بصورت فعال همکاری می‌کنند. مشارکت اگر چه به معنای عام آن از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته، اما معنای جدید خود، در عرصه سیاست را پس از جنگ جهانی دوم یافته است. این نوع مشارکت در برخی از کشورهای صنعتی جهان، (بویژه آنها که در جنگ شکست خورده بودند)، در قلمرو اقتصادی و صنعتی با هدف شریک ساختن مردم در مالکیت آغاز شد تا پایه‌های پایدار و تداوم صنعت و اقتصاد ایجاد و مستحکم شود. با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به تمام عرصه‌های زندگی، امروزه نیاز ضروری و اساسی، ایجاد شرایطی است که در آن همه مردم بتوانند در تعیین سرنوشت سیاسی خویش، دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند.

^۴ قاری سید فاطمی، سید محمد، حق تعیین سرنوشت و مساله نظارت بر انتخابات: «نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی»، فصلنامه تربیت مدرس، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۲، ص ۱۲۴.

تازه ترین زمینه مشارکت، «مشارکت شهروندان در اداره شهرهاست». این نوع مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و زمانی تحقق می یابد که شهرنشینان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می کند، خارج شوند و به «شهروند» تبدیل شوند. موضوع کلیدی در بحث مشارکت، میزان قدرتی است که به شهروندان اعطا می گردد. دسته بندی های مختلفی از ماهیت روابط قدرت بین شهروندان و زمامداران مطرح شده است که از آن جمله می توان به نردبان مشارکتی ارنشتاین^۵ اشاره کرد (نمودار شماره ۱). نردبان مزبور از ۸ پله تشکیل شده است که این ۸ پله در سه دسته کلی مربوط به موضوعات زیر تنظیم شده اند:

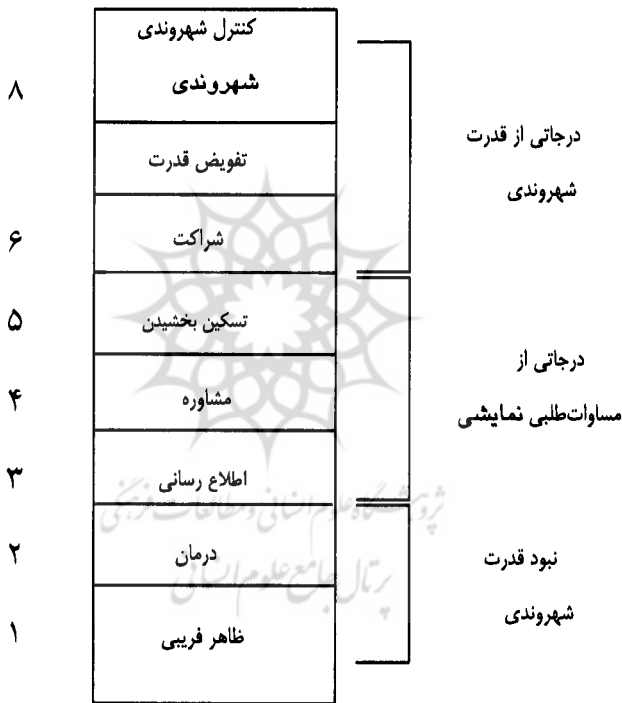
الف) اشکال غیرمشارکتی که صرفاً بیانگر نوعی ظاهر فریبی از قدرت است.

۵. از نظر ارنشتاین، در پایین ترین سطح نردبان، هیچ قدرتی برای شهروندان متصور نیست. بعبارت دیگر، عدم مشارکت در دو رده خود را نشان می دهد که وی آنها را ظاهر فریبی و درمان می نامد. در پلکان بعدی، نزدیک به پایین نردبان، شکل دیگری از عدم مشارکت معرفی می شود که درمان نام گرفته است. این نوع عدم مشارکت، هم غیرصادقانه و هم خودخواهانه است. پله های دیگر این نردبان که بعنوان یک قدم اولیه مفید توجیه شدنی است، اطلاع رسانی و مشاوره است. آگاه کردن شهروندان از حقایق موجود درباره برنامه های حکومت و حقوق و مسوولیت های آنان و راهکارهای موجود، بخصوص اگر طوری طراحی شده باشد که جریان اطلاعات یکسویه نباشد، گامی مثبت در جهت حرکت به سوی مشارکت شهروندان بشمار می آید.

تسکین بخشیدن و فرو نشاندن خشم شهروندان (Placation) پله ای از نردبان مشارکت است که بر اساس آن، مدلی از مشارکت ارائه می شود که نتیجه اش بهره مند شدن شهروندان ضعیف از سهمی است که از آن طریق، خشم شان فرو می نشیند و بطور موقت تسکین می یابند. این مدل رضایتبخش برای مشارکت واقعی بنظر نمی رسد. ارنشتاین این سه پله از نردبان مشارکت را زیر عنوان مساوات طلبی نمایشی قرار می دهد. بعبارت دیگر، هنوز اقتدار یافتن شهروندان در مفهوم کنترل آنان بر برنامه ها و اجرای آن تحقق نمی یابد و حق تصمیم گیری نهایی برای صاحبان قدرت باقی می ماند. در بالاترین پله های این نردبان، **شوکت، قدرت تفویض شده (Delegated Power) و کنترل شهروندی** بعنوان شکل های واقعی تری از مشارکت شهروندی شناسائی و مطرح می شود. ارنشتاین، مشارکت واقعی را در نردبان هشت پله ای خود، در بالاترین جایگاه می بیند. زیرا آن را نشانگر توزیع قدرتی می داند که از طریق مذاکره بدست می آید. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به منبع زیر:

ب) درجاتی از مشارکت صوری یا محدود مبتنی بر استراتژیهای یک طرفه "بالا به پایین" شامل اطلاع رسانی، مشاوره و تسکین بخشی.
 ج) درجات بالای قدرت شهروندی.^۶

نمودار ۱) نردبان مشارکت شهروندی ارنشتاین



Source: Arnstein, 1997, p. 216.

⁶.Pacione, Michael, 2004, Urban Geography, Second published, Rutledge, London, p.420.

۳.۱. چارچوب و ساختار سیاسی کلان مشارکت

دولت‌ها از نظر ماهیت اعمال قدرت (رژیم سیاسی)، به استبدادی و مردم سالار و از نظر ساختار دولت ملی به بسیط و مرکب در شقوق مختلف تقسیم می‌شوند.

مبانی و مختصات دموکراسی بعنوان مشروع ترین نوع نظام سیاسی که باعث تمایز آن از نظام استبدادی می‌گردد، عبارت‌اند از همگانی بودن مشارکت، آزادی مشارکت، کثرت گرائی و تعدد اندیشه و وجود حزب، اجرای تصمیم اکثریت و حفظ حقوق اقلیت، تناوب قدرت و حاکمیت قانون، که از طریق انتخابات آزاد و منصفانه محقق می‌گردد.^۷

دولت بسیط به عنوان شکلی از دولت ملی، به دولتی اطلاق می‌شود که با مرکزیت سیاسی واحد، به صورت یکپارچه و مبتنی بر وحدت عناصر (تشکیلات، جمعیت و سرزمین) با شخصیت حقوقی واحد و قانون اساسی واحد اداره می‌شود. این نوع دولتها بسته به وضعیت جغرافیائی و فرهنگی خود به سه مدل تمرکز، عدم تراکم، و عدم تمرکز تقسیم می‌شوند.^۸

دولت‌های مرکب، مشتمل بر حاکمیت‌های پراکنده‌ای است که در آن چند دولت (با قوانین اساسی متعدد)، بنا بر مصالح، مقتضیات و یا دلایل خاص (عمدتاً فرهنگی از قبیل تنوع قومی، زبانی، مذهبی یا جغرافیائی از قبیل گستردگی قلمرو یا تنوع اقلیمی یا نظامی و سیاسی مانند کسب جایگاه مناسب بین‌المللی)، با ایجاد رابطه حقوقی مشخص، مبادرت به

۷. برای مطالعه کامل این مبحث ر.ک:

هاشمی (دکتر)، سید محمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، چاپ اول، نشر میزان، پاییز ۱۳۸۴، صص ۴۳۰-۳۵.

۸. برای مطالعه هر کدام از این سبک‌ها ر.ک:

هاشمی (دکتر)، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ سوم، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۵۹۰.

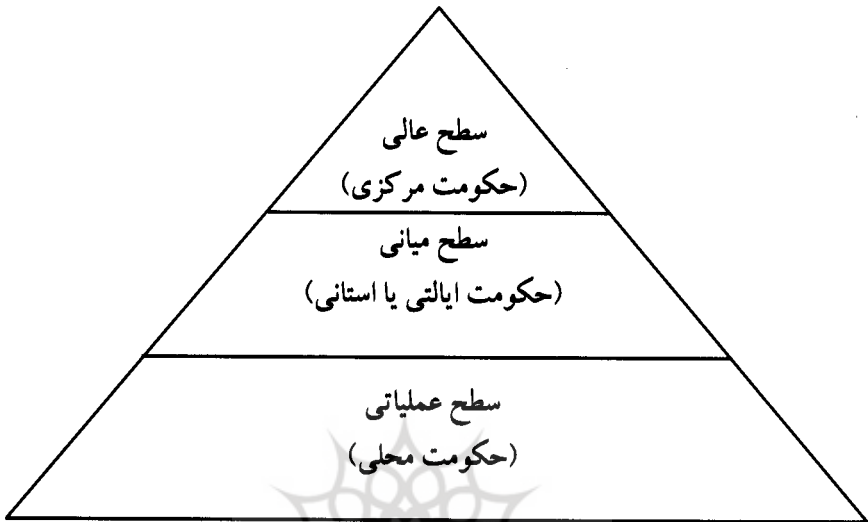
تشکیل دولت و یا نهادهای مرکزی (با قانون اساسی خاص) نموده و پاره‌ای از مراتب حاکمیت را بدان می‌سپارند. دولت‌های متصل، متحد (فدرال) و متفق (کنفدراسیون) نمونه‌های بارز دولت‌های مرکب به شمار می‌روند.^۹ بدون وجود چارچوب و ساختار کلان مناسب در یک کشور، امر مشارکت محقق نمی‌شود. یعنی مشارکت، مستلزم وجود نظام سیاسی دموکراتیک (نظام سیاسی مشارکتی)، و شکل مناسب و مساعد دولت ملی بسیط یا مرکب که مشارکت مردم یک کشور را ممکن می‌سازد، است. در تحقیق حاضر، امر مشارکت ناظر به سطوح محلی می‌باشد. به طور کلی سطوح مدیریت عمومی در کشورها همانند سازمان‌ها در قالب سه سطح قابل طبقه‌بندی است.

سطوح مدیریت عمومی در کشورهای (دولت‌های) یکپارچه و چندپارچه بدون توجه به ساختار و حیطه اختیارات آنها به صورت مشترک وجود دارد. ولی ماهیت و حیطه اختیارات و سطوح و نوع روابط این سطوح در کشورهای یکپارچه، کاملاً متفاوت از کشورهای چند پارچه است. در کشورهای یکپارچه (بسیط)، حاکمیت کلاً در اختیار حکومت مرکزی قرار می‌گیرد، ولی در کشورهای چند پارچه (مرکب)، حاکمیت بین سطوح حکومتی تقسیم شده و اقتدار سیاسی در حکومت ملی متمرکز نمی‌باشد.^{۱۰}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۹. برای مطالعه هر کدام از این سبک‌ها ر.ک. پیشین، ص ۵۹۱.

۱۰. مقیمی، سید محمد، اداره امور حکومت‌های محلی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و سمت، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۸.



مقیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۸.

۲- یافته های تحقیق

در کالبدشکافی مفهومی توسعه شهری مشارکتی، می توان امر مشارکت را در سه حوزه مشاهده کرد: مشارکت در شکل گیری قدرت محلی (از مردم)، مشارکت در برنامه ریزی و خط مشی گذاری (با مردم) و مشارکت در اجرای برنامه ریزی و خط مشی توسعه (برای مردم) که می توان آنرا چرخه توسعه مشارکتی نام نهاد:

۲-۱) مشارکت در شکل گیری قدرت عمومی محلی

فرایند اساسی مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خویش، فرایند انتخابات است که بدون وجود این فرایند، نمی توان تصور کرد که قدرت متعلق به مردم است. تنها با این اصل

مسلم است که مردم می‌توانند قدرت خویش را از طریق مشارکت در انتخابات به منتخبان خود تفویض کنند. برگزاری انتخابات، یکی از ابزارهای عمده مشارکت شهروندی در تکوین مدیریت شهری مبتنی بر مشارکت است. بر این اساس، مشارکت در فرایند انتخابات، عمدتاً^{۱۱} در محورهای زیر قابل بحث است:

الف) دسترسی: حق بر مشارکت

ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۱} و ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^{۱۲} در خصوص امر مشارکت، اهمیت بالایی دارند. بر اساس ماده ۲۱، هر کسی بطور مستقیم یا از طریق انتخاب نمایندگان، حق مشارکت در حکومت بر کشورش را دارد.

ب) فراگیری: حق هر فرد؟

مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ اعلامیه حقوق بشر، فراگیری را بعنوان نقطه شروع حرکت می‌داند. هر شخص بطور مستقیم یا غیرمستقیم از حق آزادی اندیشه، آزادی عقیده و بیان آن، آزادی در ایجاد مسالمت‌آمیز تشکل‌ها و انجمن‌ها و همچنین حق مشارکت در جامعه خویش برخوردار است. در شرایط عملی و در برگزاری انتخابات، فراگیری می‌تواند به این معنی باشد که افراد واجد شرایط رای دادن، بایستی وارد لیست رای دهندگان شده و فرصت رای دادن برای آنها تضمین گردد.^{۱۳}

11. Universal Declaration of Human Rights in: www.unhchr.ch/udhr/lang/eng.htm - 23k.

12. International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, in: www.unhchr.ch/udhr/lang/eng.htm - 23k.

13. Paragraphs 11 and 14 of the General Comment to Article 25, UN Doc. ICCPR /C/21/ Rev. 1/ADD.7(1996) .

ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر به مساله محدودیت حقایق مقرر در اعلامیه پرداخته است. براساس بند دوم این ماده، افراد در برخورداری از حقوق و آزادیهای خود، تنها تابع محدودیتهایی هستند که بوسیله قانون و در جهت تضمین و مراعات حقوق و آزادیهای دیگران مقرر شده است. بعلاوه، به مقتضای همین ماده، حقوق و آزادیهای افراد مقید به مقتضیات اخلاق حسنه، نظم عمومی و رفاه همگانی است. نکته بسیار قابل توجه در این ماده آن است که این محدودیتهای الزامی باید توسط قانون پیش بینی شوند، آن هم قانونی که در یک نظام دموکراتیک و مردم سالار وضع شده است. اما باید توجه داشت حتی در نظامهای دموکراتیک، در صورتی که ملاک و معیار وضع قانون، منافع عمومی باشد که در منافع اکثریت متجلی است، امکان قربانی شدن حقوق اقلیت وجود دارد. در حقیقت، دموکراسی خود نیز، باید با اصول ماهوی دیگری که همانا حقوق و آزادیهای بنیادین می باشد، محدود گردد، در غیر این صورت دموکراسی می تواند به سادگی تبدیل به دیکتاتوری اکثریت برای سلب و نقض حقوق اقلیت گردد.^{۱۴}

ج) شفافیت: حق بر اطلاعات

در حالیکه قابلیت دسترسی و فراگیری، عمدتاً^{۱۵} مربوط به افراد واجد شرایط مشارکت در فرایند انتخابات می باشد، شفافیت، موضوع مربوط به اطلاعات است که افراد در راستای مشارکت آگاهانه و نیز داشتن اعتماد بر این فرآیند (انتخابات) و نتایج آن، بایستی به آن دسترسی داشته باشند. شفافیت همچنین در ارتباط با نهادهایی معنا می یابد که در راستای پیشبرد اراده مردم یا رای دهندگان به سمت مشارکت در تصمیم گیری، ایجاد شده اند.^{۱۵}

۱۴. سید فاطمی، پیشین، صص ۳۴-۱۳۳.

15. Suksi, Markku, Good Governance in The Electoral Process, p.212, in: Hans -Otto Sano, Gudmundur Alfredsson, And Robin Clapp, 2002, Human Right and Good Governance, Martinus Nijhoff Publishers, The Hague/London/Newyork.

ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۳ و ۲۵ پروتکل الحاقی شماره اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر،^{۱۶} سری بودن رای را تجویز می کنند: انتخاب تک تک افراد در انتخابات، نباید تابع مقتضیات شفافیت باشد.

د) پاسخگویی: حق بر حکومت مشروع

نکته اساسی انتخابات و فرآیند آن، پاسخگویی حکومت کنندگان بر حکومت شوندگان است. ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اراده مردم را بعنوان مبنای قدرت حکومت می داند و چون اراده مردم می تواند تغییر یابد، حکومت نیز بایستی ضرورتاً "زمانی که مردم عملکرد حکمرانان را در انتخابات ارزیابی کرده و خواهان تغییر هستند. بر اساس نظر کمیته حقوق بشر، نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده اند، قدرت حکومت را اعمال می کنند و از طریق فرایند انتخابات در برابر اعمال قدرت حکومتی پاسخگو می باشند.^{۱۷}

ه) نبود فساد: حق بر رای دستکاری نشده

موضوع مشروعیت حکومت، موضوعی است که ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی- سیاسی بر طرح آن از طریق پیوند دادن حکومت به اراده مردم و انتخاب کنندگان تاکید می کنند. در چارچوب اجرای انتخابات، فساد می تواند با این

16.The European Convention on Human Rights, ROME, 4 November, 1950,First protocol" Enforcement of Certain Rights and Freedoms not included in Section I of the Convention", in: <http://www.hri.org/docs/ECHR50.html#P1>.

17.Paragraph 7 of The General Comment To Article 25 (UN Doc. ICCPR/C/21/ Rev.1/ Add.7(1996), in: <http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/d0b7f023e8d6d9898025651e004bc0eb?Opendocument>.

هدف اتفاق ییفتد که مجریان انتخابات را به دخالت در ثبت نام رای دهندگان، بر گه های رای، صندوق رای و نتیجه آن سوق دهد.^{۱۸}

ک) رقابت پذیری: آزادی انتخاب

مفهوم انتخابات واقعی در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی - سیاسی بیان شده است. صفت "واقعی" می تواند به طرق مختلف، تفسیر گردد. بر اساس یکی از این تفاسیر، واژه "واقعی"، سایر حقوق سیاسی را به حوزه مشارکت، نزدیک می سازد، و منظور این است که انتخابات نباید صوری باشد، بلکه بایستی با جدیت کامل و در پرتو شفافیت، در بردارنده نتایج واقعی باشد.^{۱۹}

نتیجه اینکه فرایند انتخابات باید بگونه ای باشد که حکمروائی خوب و حق بنیادی مشارکت شهروندان از طریق بروز و ظهور آزادانه اراده انتخاب کنندگان فراهم گردد. تنها در پرتو این فرایند، حکومت مردمی محلی می تواند، شکل بگیرد و با اضلاع حاکمیت، یعنی شهروندان، دولت ملی و نهادهای جامعه مدنی، تعامل سازنده داشته باشد. این امر می تواند از یک سو تامین کننده نیازهای مردم محل باشد و در تعامل خود با شهروندان، پاسخگو باشد؛ و از طرف دیگر زمینه های مشارکت شهروندان در مراحل سیاستگذاری و همینطور زمینه های اجرایی فرایند مشارکت را هموار سازد. در مبحث بعدی به این مطلب پرداخته می شود که بعد از شکل گیری قدرت عمومی محلی، شهروندان با مقامات محلی چگونه تعاملی می توانند داشته باشند و مشارکت در این مرحله به چه صورتی است.

18 . Suksi, Markku. Op. cit, p.218.

19 .op. cit,p.219.

۲-۲) مشارکت در برنامه ریزی و خط مشی گذاری توسعه

این موضوع در قالب مباحث زیر طرح می گردد: محاسن مشارکت شهروندی در تصمیم گیری حکومتی، مدل‌های برنامه ریزی و مشارکت اجتماعات محلی.

۲-۲-۱) محاسن مشارکت شهروندی در تصمیم گیری حکومتی

طبیعی است اگر قدرت متعلق به مردم است، صرف برگزاری انتخابات و شکل گیری حکومت نمی تواند وافی به مقصود باشد. مشارکت فرایندی است که مراحل مختلفی دارد و شرکت در تمامی این مراحل می تواند مشارکت شهروندی را محقق سازد. در این مبحث به محاسن مشارکت شهروندی در تصمیم گیری حکومتی بعنوان مرحله ای از مشارکت پرداخته می شود:

الف- آموزش: یک فرایند مشارکت عمیق شهروندی، می تواند بر رفع موانع خط مشی گذاری موثر کمک نماید. شهروندان مطلع و درگیر امورات، شهروندان متخصصی می شوند که از نظر فنی، وضعیتهای مساله ساز را درک کرده و پیگیر راه حل‌های کل نگر و فراگیر می شوند. صاحب نظران متعددی از جمله پاتمن (۱۹۷۰)، مزایای آموزشی مشارکت شهروندی را مورد تاکید قرار می دهند. به عنوان مثال مدیران، قادر به تشریح دلایل پیگیری سیاستهایی می شوند که در وهله اول برای توده مردمی نبوده است. پذیرفته شده است که مشارکت کنندگان ضمن آشنایی بیشتر با سطوح بسیار پیچیده فنی و افزایش درک اجتماعی به تصمیم گیری و سیاستگذاری بهتری نائل می شوند.^{۲۰}

20. Renee A. Irvan; John Stansbury, (2004) Citizen Participation in Decision Making: Is It Worth The Effort?, Public Administration Review, vol.64, No.1p.56.

ب- **ترغیب سیاسی:** آنچه واحدهای دولتی را تشویق می کند تا بخشی از مسوولیت های تصمیم گیری خود را به گروه های مشارکتی تفویض کنند، ممکن است تمایل واقعی برای بهبود پیامدهای خط مشی، از طریق آموزش بهتر در مورد اولویتهای اجتماعات محله ای نبوده باشد. ولی در عوض، می تواند یک عامل انگیزشی قدرتمند در پاسخ به خواسته مردم مشارکت جو و فعال باشد.^{۲۱}

ج- **توانمندسازی:** ترغیب سیاسی در جهت مخالف نیز می تواند عمل نماید. فعالین اجتماعات محلی می توانند تماس مستمری با تصمیم گیران کلیدی حکومت داشته باشند و بصورت متقاعد کننده ای، نظرات خودشان را در یک جو آرام و بدون جنجال منتقل کنند. برخی صاحب نظران از مشارکت، بعنوان روش آموزش شهروندان آسیب پذیر و غیر توانا در تماس با دیگر گروه های جامعه، حمایت می کنند تا این گروه ها بتوانند بعنوان بازیگران سیاسی، مشروعیت کسب کنند.^{۲۲}

د- **شکست بن بست:** در برخی اجتماعات محلی، گفتمان سیاسی سنتی نمی تواند در یک طرح کارشکنانه موثر و کارا باشد و تصمیم گیران را به بن بست می کشاند. ویکس (۲۰۰۰) یک پروژه دموکراسی مشورتی را تشریح می کند که اعضای سرسخت شورای شهر را به اجرای کاهش عمده هزینه، با حکم صدها شهروند از کارگاهها و پاسخ دهندگان به نظرسنجی ها ملزم می کرد. در این گونه موارد، یک طرح مشارکتی می تواند پیامدهای اجتماعی را بهبود بخشد. همانگونه که نظر متوازن شهروندان مشارکت کننده، به جناحها اجازه می دهد تا مصالحه کرده و راه حلهایی را برای مشکلات حاد پیدا کنند.^{۲۳}

21. Op. cit p. 56.

22. Op. cit p. 57.

23. Op. cit p. 57.

ک- اجتناب از هزینه‌های اقامه دعوی: این امر از طرف اکثریت پذیرفته شده است که مشارکت عمومی، ارزشمند و موثر است، زیرا احتمال اقامه دعوی را کاهش می‌دهد.^{۲۴}

گ- مدیریت محیطی: ساختارهای مشارکتی، همانند هیاتهای مشاوره‌ای شهروندی، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، برای بهبود گردش یک طرفه اطلاعات در میتینگ‌های عمومی پیرامون سیاستهای محیطی، پیشنهاد شد و مورد پذیرش قرار گرفت. مشارکت شهروندی در شکل‌گیری سیاستگذاری محیطی، برای اطلاع‌رسانی تنظیم‌کنندگان خط مشی از اینکه کجا عکس‌العمل عمومی منفی اتفاق می‌افتد، مفید بوده، همینطور برای موفقیت در ایجاد همفکری میان شهروندان متنفذ در مکانهایی که مقررات زیست محیطی، با مخالفت شدیدی مواجه می‌باشد، اثر بخش است.^{۲۵} محاسن مشارکت شهروندی در تصمیم‌گیری حکومتی را می‌توان در جدول شماره ۱ نشان داد.

جدول ۱) محاسن مشارکت شهروندی در تصمیم‌گیری حکومتی

فرایند تصمیم	محاسن برای شهروندان مشارکت‌کننده	محاسن برای حکومت
	- آموزش (آموزش و یادگرفتن شهروندان از نمایندگان حکومت و آگاه	- آموزش (آموزش و یادگیری زمامداران از شهروندان و آگاه کردن آنها)

24. Op. cit p. 57.

25. Op. cit p. 57.

- قانع سازی شهروندان: اعتماد سازی و برطرف کردن نگرانی ها و بیگانگی - ایجاد همبستگی استراتژیک - بدست آوردن مشروعیت تصمیم	کردن آنان) - قانع سازی و روشن کردن مساله برای حکومت - کسب مهارتها برای فعالین - شهروندی	
- شکست بن بست؛ بدست آوردن نتایج - اجتناب از هزینه های دادخواهی - خط مشی گذاری بهتر و تصمیمات اجرائی بهتر	- شکست بن بست؛ بدست آوردن نتایج - بدست آوردن برخی کنترلها بر فرایند خط مشی گذاری - خط مشی گذاری بهتر و تصمیمات اجرائی بهتر	بـرون داده

Source: Renee A.Irvin, Jhon Stansbury, (2004), p. 56.

۲-۲-۲) مدل‌های برنامه ریزی و مشارکت در اجتماعات محلی

در این مبحث، مدل‌های برنامه ریزی و مشارکت در اجتماعات محلی که عملکرد و پاسخگویی در حکومت محلی را با مشارکت شهروندان تقویت می‌کند، ارائه می‌گردد:

الف- مدل سنتی مادیوریتی: این مدل، معمول ترین مدل، از مدل‌های چهارگانه برنامه ریزی استراتژیک است و کاملاً "مربوط به آن دسته از مدل‌های برنامه ریزی

استراتژیک است که در بخش خصوصی ایجاد می‌شود. مدل سنتی مدیریتی، رویکردی از بالا به پایین دارد که تاحدودی از مراحل تجویزی غیر منعطف تبعیت می‌کند و کاملاً خطی عمل می‌نماید، همچنین فضای کمتری را برای مشارکت معنادار ذینفعان فراهم می‌سازد. اهداف این مدل عبارت است از: جلسه‌گذاری، توسعه تعامل و ارتباطات بین اعضای تیم مدیریتی، ایجاد حس تعهد به سمت خط مشی‌گذاری برای اعضای تیم مدیریتی و توسعه و تقویت کار تیمی.^{۲۶}

ب- مدل قانونگذاری: این مدل که گسترده‌ترین مدل بکار رفته است، معمولاً در راستای توسعه یک دستور جلسه عملی، برای هدایت و جهت‌دهی تصمیمات نهاد حاکم سازمان و تیم اداری عمل می‌نماید. اهداف این مدل عبارت است از: توسعه دستورگذاری مشترک، تشریح سبکهای کاربردی و ایجاد راهکارهای عملی، ایجاد تفاهم بین نهاد حاکم سازمان و مدیر کل اداری، توسعه تعامل و ارتباطات گسترده بین اعضای نهاد حاکم سازمان و مدیر کل اداری، توسعه و تقویت کار تیمی، توسعه دستور جلسه عملی اجتماعات محلی خودگردان توسط نهاد حاکم سازمان و تیم اداری، بعنوان خط راهنمایی برای تصمیم‌گیری و توزیع منابع و تصدیق و مشروعیت بخشی به دستور جلسه موجود.^{۲۷}

ج- مدل مشارکت محدود اجتماعات محلی: این فرایند معمولاً با شکل‌گیری کمیسیون بلو ریبون^{۲۸} متشکل از رهبران اجتماعات محلی و تجاری شناخته می‌شود. این

26. Pamela D. Gibson; Donald P. Lacy; Michael J. Dougherty (2005)Improving Performance and Accountability in Local Government with Citizen Participation, The Innovation Journal: The Public Sector Innovation Journal Volume 10(1), pp. 5-6.

27 .Op. cit p. 6.

28 . Blue Ribbon Commission.

کمیسیون معمولاً به صورت هفتگی یا ماهانه تشکیل جلسه داده و گزارش و قطعنامه ای را صادر می کند. اهداف این مدل عبارت است از: شفافیت فراینده فرایند تصمیم گیری و افزایش مشارکت و تعامل شهروندان با نهاد حاکم، ایجاد هماهنگی درون نهاد حاکم و یا درون اجتماعات محلی.^{۲۹}

د- مدل توانمند سازی اجتماعات محله‌ای: این مدل که با مشارکت گسترده اجتماعات محلی ایجاد می شود، بعنوان یک فرایند توانمندسازی جهت توسعه دستور جلسه اجتماعات محلی و تشویق ساکنان اجتماعات محلی در طول یک دوره زمانی، طراحی شده است.^{۳۰}

۲.۳. مشارکت در اجرای خط مشی توسعه

هدف این مبحث، ارائه اشکال پایدار و قوی مشارکت در اجتماعات محلی است که منجر به بهبود کیفیت زندگی افراد و اقشار فقیر^{۳۱} و بالتبع توسعه پایدار انسانی می گردد.

29 . Op. cit p. 6.

30 . Op. cit p. 7.

^{۳۱} جان رالز- متنفذ ترین فیلسوف سیاسی قرن بیستم- در کتاب معروف تئوری عدالت خود بر این عقیده است که انسانها در وضعیت بیطرفی اولیه بر اصول عدالت توافق دارند. یعنی در شرایط بیطرفانه، اصول عدالت مورد نظر او را انتخاب می کنند. اصول عدالت تئوری اصلاح شده او بدین شرح است: اصل اول: نیازهای مادی همه افراد باید تامین گردد.

اصل دوم: هر شخصی حق برابر نسبت به طرح مناسبی از آزادی های بنیادین دارد که با طرح مشابهی در مورد آزادی ها برای همگان سازگار باشد (اصل توزیع برابر آزادی). ر.ک:

Rawls, John, 1990, A theory of justice, revised edition, oxford university press, p.229.

اصل سوم: فرصتها برای دستیابی به موقعیت اجتماعی مطلوب در نظام اجتماعی چنان توزیع شده باشد که فرصتها را برای نابرخوردارترین طبقه بیشینه کند. (اصل برابری منصفانه فرصت)



ارائه چشم انداز حکومت شهری و حمایت از شهرداری ها در توسعه رویکردهای توسعه مشارکتی از اهداف دیگر این مبحث است. به عبارتی دیگر هدف، فراهم کردن یک چارچوب استراتژیک برای تقویت ظرفیت سازمانها و مقامات شهری در اجرای فرایند توسعه مشارکتی می باشد.

۱-۳-۲). چارچوب استراتژیک برای ظرفیت سازی مدیریت شهری

چارچوب استراتژیک با چهار مولفه کلیدی شکل می گیرد که هر کدام به مساله ای بنیادی که توسط مقامات شهری پیرامون فرایندهای مشارکت مطرح می شود، پاسخ می گوید. هدف از طرح سوالاتی مانند مشارکت چیست؟ چگونه مشارکت کنیم؟ چگونه از مشارکت حمایت کنیم؟ وجه کسی آنرا هدایت کند؟ رفع مشکل عمده «مشارکت» برای شهرداری ها و در نتیجه نشان دادن موضوع، عوامل و بازیگرانی است که در فرایندهای مشارکت دخیل هستند و فرایندهای مزبور را تحت تأثیر قرار می دهند. ۳۲

الف: عناصر مشارکت: توسعه اشکال مناسب و در حال ظهور مشارکت

اصل چهارم: نابرابری اقتصادی باید چنان سامان یابد که ثروت فقیرترین طبقه را بیشینه کند. (اصل تفاوت). ر.ک:

همتی، مجتبی، بررسی و تحلیل حقوق اقتصادی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه تئوری عدالت اجتماعی جان رولز، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی دکتر محمد حسین زارعی ویا مشورت دکتر اردشیر امیر ارجمند، ۱۳۸۳، صص ۲۹-۲۸.

ضمن اینکه در نظر رولز عدالت بر کارائی و فرصت منصفانه بر اصل تفاوت تقدم و برتری دارد. ر.ک: Freeman, Michael, D.A., Lloyds, introduction to jurisprudence, 7th edition, London, sweet and Maxwell, p.477.

32. Plummer, Jeneller, 2000, municipalities and community participation, Earthscan Publications Ltd, London & Sterling, VA, p.7.

مؤلفه نخستین چارچوب استراتژیک ظرفیت‌سازی حکومت شهری، توسعه ماهیت اساسی و عناصر مشارکت است. این مؤلفه موضوعات کلیدی را طرح کرده، میزان وسیعی از عوامل اثر گذار بر مشارکت را ترسیم نموده و قابلیت‌های مختلف برای مشارکت در اجتماعات محلی را مطرح می‌کند. بسیاری از شهرداری‌ها، نیاز دارند تا دانش و مهارت‌های گسترده مربوط به جنبه‌های بنیادین مشارکت را که باعث فهم ماهیت شرکای محله‌ای - شهری می‌شود، توسعه داده و مشارکت معنادار و مناسب را ترویج نمایند. این چارچوب استراتژیک برای ظرفیت‌سازی شامل موارد زیر است:

- شناخت اهداف مشارکت،

- شناخت نیازهای فقرا،

- کاهش عواملی که مشارکت را تضعیف می‌کنند،

- ارتقای قابلیت‌های مشارکت،

- ایجاد اشکال نوظهور مشارکت. ۳۳

ب: ابزارهای مشارکت: توسعه یک ارتباط و تعامل پایدار محله‌ای - شهری

مشارکت موثر در اجتماعات محلی مستلزم ایجاد ظرفیت و ابزارهای پیشبرد مشارکت می‌باشد. از اینرو مؤلفه دوم چارچوب استراتژیک ظرفیت‌سازی در حکومت شهری، بازیگران و سازمان‌های دخیل در ایجاد بسته مشارکت فقرا در ارائه خدمات و زیربنا، همچنین ظرفیت‌سازی در بازیگرانی که در ارتباط با اجتماعات محلی - شهری فعالیت می‌کنند، را مدنظر قرار می‌دهد، ضمن آنکه ابزارهای اجتماعات محلی و شهری، و نقش

بالقوه بازیگران خارجی در تسهیل توسعه فرایند های مشارکتی درون شهرداری را نیز توصیف می کند. ظرفیت سازی، توسعه ارتباط و تعامل پایدار اجتماعات محلی - شهری را به ایجاد موارد زیر ملزم می کند:

- تقویت ارتباط و تعامل حکومت شهری،
- تقویت ظرفیت محله ای و ارتباط و تعامل اجتماعات محلی،
- توسعه شراکت با بازیگران غیر دولتی. ۳۴

ج: ظرفیت درونی مدیریت شهر: توسعه یک چارچوب سازمانی حمایتی

بسیاری از شهرداری ها نیاز دارند تغییرات درونی مهمی را در راستای «فراهم کردن مشارکت» ایجاد کنند. این مولفه سوم، عناصر شهرداری را (از نظر کارمندان، ساختار، سیستم ها، نگرشها و منابع مالی)، مدنظر قرار داده و عرصه های ظرفیت سازی درون شهرداری را توصیف می کند که در ایجاد محیط توانمندی که فرایندهای مشارکتی را پی ریزی می کند، لازم هستند. ظرفیت سازی ای که لازم است تا چارچوب حکومت شهری حمایتی ایجاد کند عبارت است از:

- توسعه ظرفیت کارمندی،
- ایجاد ساختارهای شهری اثربخش،
- ایجاد پشتوانه مالی،
- ایجاد تغییرات در نگرشها. ۳۵

34 . Op. cit p. 9.

35. Op. cit p. 9.

د: ظرفیت‌سازی مدیریتی: ایجاد مدیریت و رهبری متعهد و دارای مهارت

مولفه مرکزی چارچوب استراتژیک ظرفیت‌سازی، توسعه مدیریت متعهد و با مهارت است. این امر، اساس مشارکت در اجتماعات محلی درون شهرداری است. مدیریت و رهبری موثر، یک نیروی حرکتی برای تغییر و محرکی برای فرایند ظرفیت‌سازی فراهم خواهد ساخت و ابتکارات اجرایی را حمایت خواهد کرد. مدیریت متعهد و دارای مهارت مدیریتی است که:

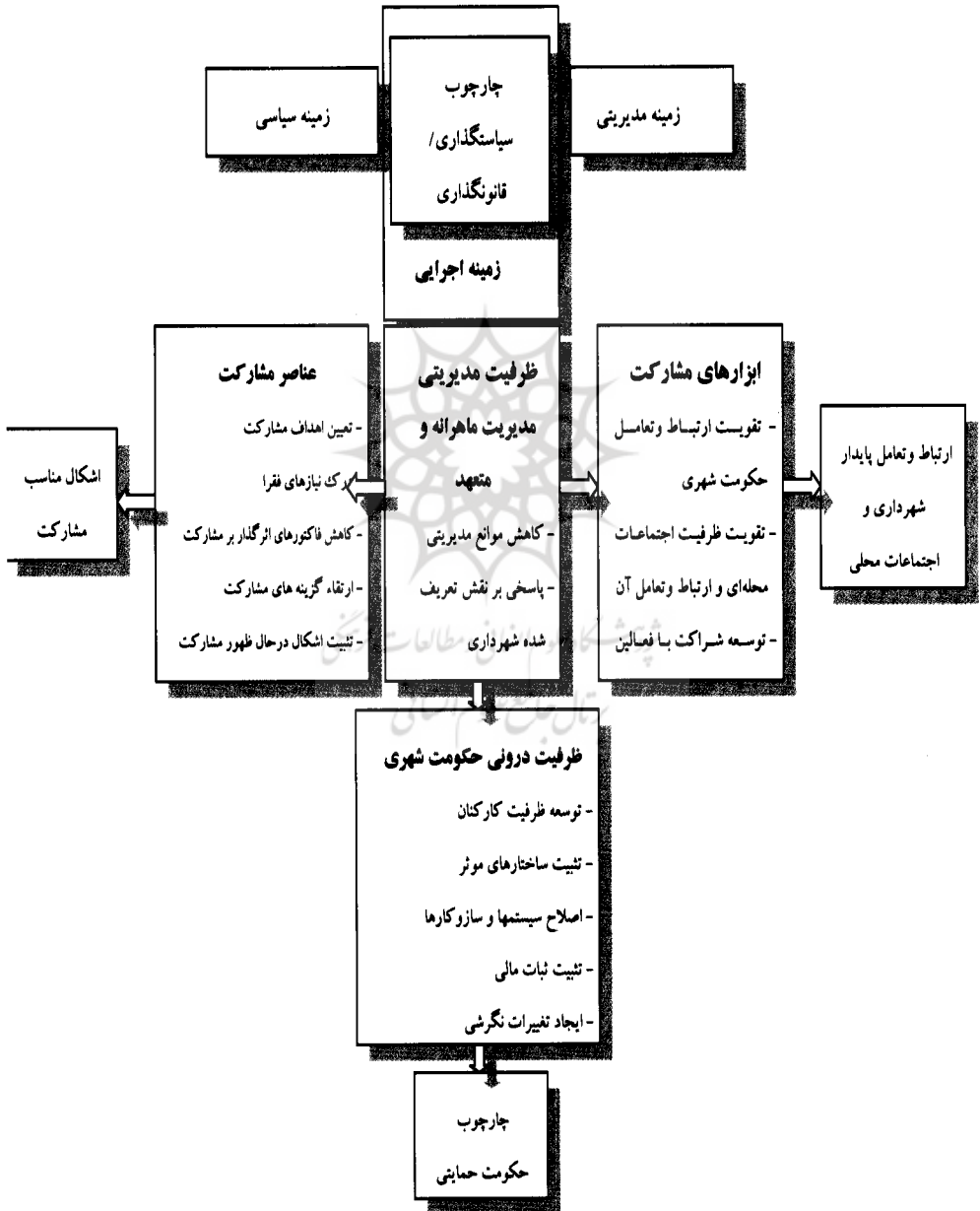
- موانع مدیریتی که مشارکت را تضعیف می‌سازد کاهش دهد،
- رویکرد مدیریتی را که به نقش بازتعریف شده شهرداری‌ها پاسخ می‌دهد، توسعه دهد.

چارچوب استراتژیک ظرفیت‌سازی حکومت شهری در نمودار شماره ۲ به تصویر کشیده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نمودار ۲) چارچوب استراتژیک ظرفیت سازی شهری برای مشارکت

اجتماعی (Source: Plummer, 1999, p. 8.)



۳. نتیجه گیری و ارائه مدل پیشنهادی

علیرغم ورود به هزاره سوم میلادی، شهرها بویژه کلانشهرها با مسائل عدیده‌ای درگیر هستند که نمود عینی آنها را می‌توان در گسترش آلودگیها، مسائل زیست‌محیطی، بالا رفتن میزان جرائم و نهایتاً پایین آمدن کیفیت زندگی مشاهده نمود که به توسعه‌نیافتگی یا توسعه نامتوازن انجامیده است. با یک رویکرد همه‌جانبه می‌توان اذعان داشت که ریشه تمامی مسائل پیش آمده، ساختاری است و در راستای توسعه بایستی علت اساسی را در عدم مشارکت شهروندان در امر توسعه شهری جستجو کرد. برخورداری از حق تعیین سرنوشت، عنصر بنیادین حقوق شهروندی است که از طریق مشارکت در امور جمعی تحقق پیدا می‌کند. بر این اساس، لازم است مکانیسمهای مشارکت مطلوب شهروندی برای نیل به توسعه پایدار شهری ارائه گردد. بدین منظور در تحقیق حاضر، الگوی مشارکتی شهروندان در سه بعد فرایند شکل‌گیری قدرت عمومی محلی (شکل‌گیری مدیریت شهری مشارکتی)، برنامه‌ریزی مشارکتی توسعه و نهایتاً اجرای مشارکتی برنامه‌های توسعه پیشنهاد می‌گردد.

بر اساس مدل پیشنهادی (نمودار ۳)، مقامات محلی طی انتخابات آزاد و منصفانه توسط مردم انتخاب می‌شوند و بر این اساس شهر به سطوح مختلف از جمله محله، ناحیه، منطقه و شهر (به عنوان یک مجموعه) تقسیم شده و در هر سطح مقامات انتخاب می‌گردند. این مفهوم را می‌توان در جدول زیر نشان داد.

جدول ۲) مکانیسم پیشنهادی شکل‌گیری مشارکتی مدیریت شهری (حکومت محلی)

سطح	شورا	شهردار
محله	انتخاب از سوی مردم	انتخاب از سوی اعضای شورای محله
ناحیه	انتخاب از سوی شورای محله	انتخاب از سوی شورای ناحیه
منطقه	انتخاب از سوی شورای ناحیه	انتخاب از سوی شورای منطقه
شهر	انتخاب از سوی شورای منطقه	انتخاب از سوی شورای شهر

سپس در سطح محله، (شهردار و شورای محله) ابتدا به شناخت مسائل و پتانسیل‌های اساسی محله اقدام می‌کند، و در ادامه با مشارکت کمیته‌های علمی-تخصصی تشکیل شده، به تدوین راهبردهای توسعه محله‌ای در قالب طرح‌های توسعه اقدام نموده و طرح‌های تدوین شده را به شورای محله ارائه می‌کند. اعضای شورا پس از بررسی‌های همه‌جانبه به تایید آن پرداخته و طرح تاییدشده را طی جلسه‌ای هماهنگ‌شده به ساکنین محله معرفی می‌کنند و پس از بررسی آراء و نظرات مختلف شهروندان محله، اعضای شورا به تصویب نهائی آن اقدام می‌نمایند. طرح تصویب‌شده بلافاصله از سوی شهردار محله، در زمان تعیین شده و با نظارت شورا اجرا می‌گردد. مدیریت شهری محله پس از اجرای طرح، لازم است محله را از نتایج آن آگاه ساخته و در قبال سوالات مطرح شده از سوی شهروندان نیز پاسخگو باشد. طرح انجام شده ممکن است نیاز به اصلاح یا تغییر داشته باشد، که ضرورت دارد این مرحله نیز با مشارکت مردم صورت گیرد.

مدیریت شهری در سطوح محلات، پس از تهیه طرح‌های تدوین شده، لازم است آنها را به مدیران شهری در سطوح بالاتر (نواحی، مناطق و کل شهر) منتقل نمایند. عمده‌ترین

وظیفه مدیران سطوح بالاتر، نظارت بر روند پیگیری در سطوح محلی می‌باشد. بدیهی است که فرایند یاد شده می‌تواند به روند برنامه ریزی از پایین منجر گردد. لازم به ذکر است که مدیران شهری در سطوح نواحی، مناطق و کل شهر به مسائلی که در خارج از حوزه خاص محله، ناحیه یا منطقه خاص قرار می‌گیرد، نیز می‌پردازند. ضمن آنکه وظیفه هماهنگی و فراهم کردن توسعه متوازن و عادلانه و پایدار بین محلات، نواحی و مناطق شهری نیز بر عهده مدیران این سطوح قرار دارد. علاوه بر این، مدیریت شهری (حکومت محلی) در بالاترین سطح به مسائل کلان شهری همچون جذب سرمایه های خارجی، اجرای پروژه های کلان و تعاملات بین شهری و بین‌المللی نیز می‌پردازد.

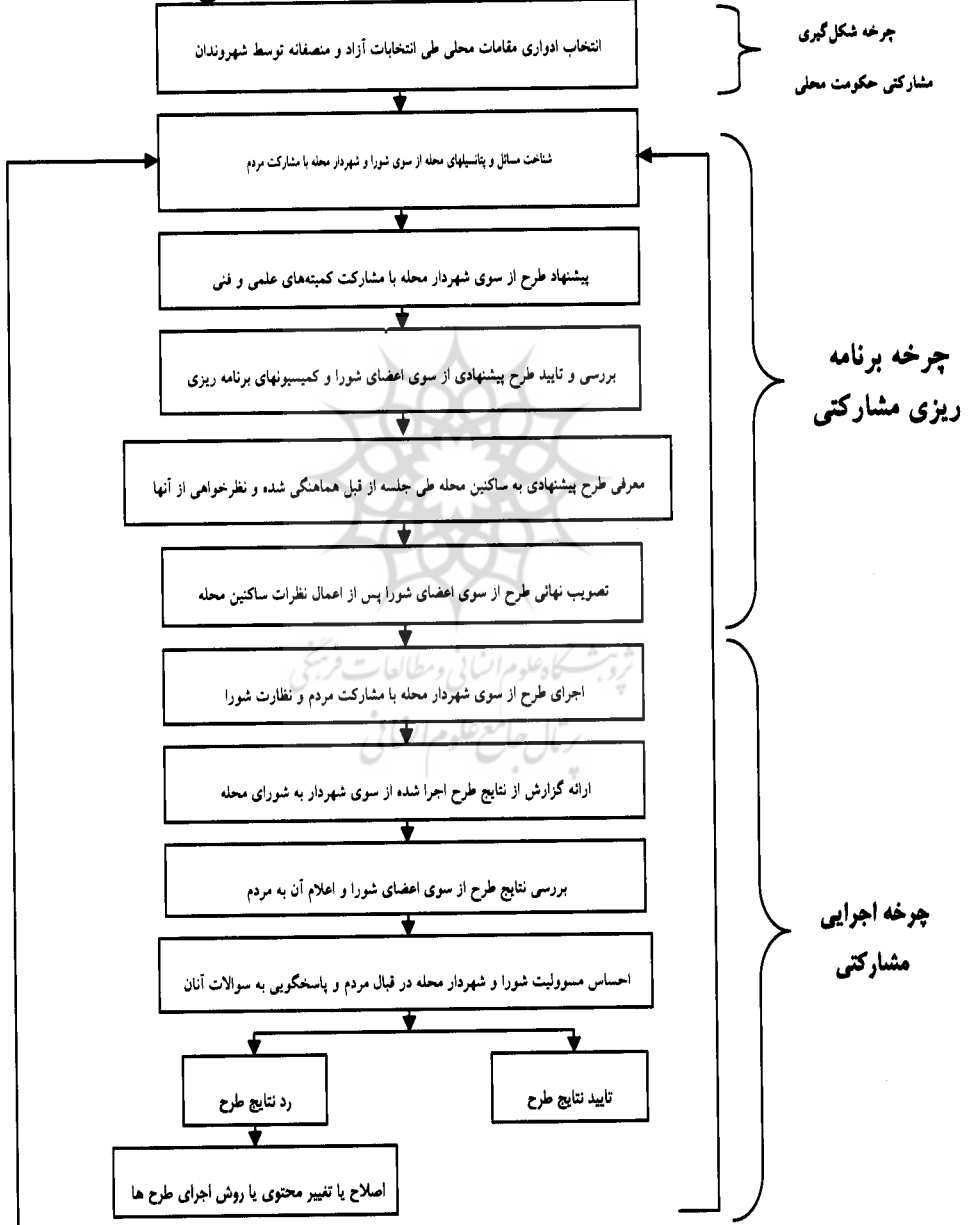
پیشنهاد می‌گردد، منابع تامین مالی مدیریت شهری در سطح محله به قرار زیر باشد:

- درآمدهای غیررسمی و غیرمنظم ناشی از خودیاری و مشارکتهای مردمی شهروندان: این نوع درآمدها، ماهیتاً غیرمنظم و تا حد زیادی غیرقابل اتکا هستند.
- درآمدهای رسمی: که شامل اخذ عوارض و مالیاتهای محلی از شهروندان می‌باشد.^{۳۷}

^{۳۷}. منابع درآمد شهرداریها در سطح محله (علاوه بر درآمدهای ناشی از کمک دولت مرکزی) را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

- درآمدهای ناشی از عوارض مستمر وصولی توسط خود شهرداریها: شامل عوارض اتومبیل، سینماها، اماکن عمومی، پروانه کسب، کارخانه ها و کارگاههای تولیدی و موارد مشابه.
- درآمدهای غیرمستمر وصولی توسط خود شهرداریها: شامل عوارض نوسازی، برق، آب، گاز و کشتارگاهها.
- درآمدهای ناشی از وجوه و اموال شهرداریها: از قبیل فروش املاک و اموال زاید، مال الاجاره املاک و غیره.
- درآمدهای ناشی از کمکهای بلاعوض سازمانهای دولتی، خصوصی و مردم.

نمودار ۳) فرایند تهیه و اجرای مشارکتی طرحهای توسعه در سطح محله



منابع

۱. قاری سید فاطمی، سید محمد، حق تعیین سرنوشت و مساله نظارت بر انتخابات: «نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی»، فصلنامه تربیت مدرس، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۲.
۲. صرافی، مظفر؛ اسماعیل زاده، حسن، شهروندمداری، راهکاری برای حل مسائل شهری ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال بیستم، مهر و آبان ۱۳۸۴.
۳. علوی تبار، علیرضا، مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول (تجارب جهانی و ایران)، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۷۹.
۴. فالکس، کیث، شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۵. مقیمی، سید محمد، اداره امور حکومت‌های محلی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و سمت، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.
۶. هاشمی (دکتر)، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ سوم، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۵۹۰.
۷. هاشمی (دکتر)، سید محمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، چاپ اول، نشر میزان، پاییز ۱۳۸۴.
۸. همتی، مجتبی، بررسی و تحلیل حقوق اقتصادی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه تئوری عدالت اجتماعی جان رولز، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی دکتر محمد حسین زارعی و با مشورت دکتر اردشیر امیر ارجمند، ۱۳۸۳.

9. Adams, Brian, 2004, Public Meetings and the Democratic Process, Public Administration Review 64 (1): 43 – 54.
10. Baker, William H; H. Lon Addams and Brian Davis, 2005, Critical Factors for Enhancing Municipal Public Hearings, Public Administration Review 65 (4): 490 – 99.
11. Berry, Jeffrey M. Kent E. Portney , and Ken Thomson, 1993, The Rebirth of Urban Democracy, Washington DC: Brookings Institution Press.
12. Eran, Vigoda,(2002) from responsiveness to collaboration: Governance, Citizens and the Next Generation of Public Administration, in Public Administration Review,vol.62,No. 5.
13. Freeman, Michael, D.A., Lloyds, 2001, introduction to jurisprudence, 7th edition, London, sweet and Maxwell.
14. Gaddie , Ronald Keith, 2004, Born to Run: Origins of the Political Career, Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
15. Government: Transformations in the Roles, Responsibilities, and Values of City Managers, San Francisco: Jossey-Bass.
16. Kweit , Mary G . , and Robert W. Kweit, 1981, Implementing Citizen Participation in a Bureaucratic Society, New York : Praeger .
17. Lukens Meyer, Carolyn J., and Lars H. Torres, 2006, Public Deliberation: A Manager's Guide to Public Deliberation, Washington DC: IBM Center for the Business of Government.
18. Man Bridge; Jane J. 1983, Beyond Adversary Democracy, Chicago: University of Chicago Press.
19. Morgan, David L. 1997, Focus Groups as Qualitative Research, 2nd ed, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
20. Moser, 1989, Community Participation in urban projects in the third world, progress in planning, vol. 32 part 2.
21. Hans -Otto Sano; Gudmundur Alfredsson, And Robin Clapp, 2002, Human Rights and Good Governance, Martinus Nijhoff Publishers, The Hague/ London/ Newyork.
22. Pacione, Michael, 2004, Urban Geography, Second published, Rutledge, London.
23. Palfrey, colin; C. Phillips; P. Thomas, and D. Edeard, 1992, Policy Evaluation in the Public Sector: Approaches and Methods ,Hants: Avenbury.

24. Pamela D. Gibson; Donald P. Lacy; Michael J. Dougherty, (2005), Improving Performance and Accountability in Local Government with Citizen Participation, The Innovation Journal: The Public Sector Innovation Journal Volume 10(1).
25. Paragraphs 11 and 14 of the General Comment to Article 25, UN Doc. ICCPR /C/21/ Rev. 1/ADD.7(1996), in
<http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/d0b7f023e8d6d989802565e004bc0eb?OpenDocument>
<http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/d0b7f023e8d6d989802565e004bc0eb?OpenDocument>
26. Paragraph 7 of The General Comment To Article 25(UN Doc. ICCPR/C/21/ Rev.1/ Add.7(1996), in: <http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/d0b7f023e8d6d989802565e004bc0eb?OpenDocument>
27. Plummer ,Jeneller, 2000,Municipalities and Community Participation , Earth scan Publications Ltd, London & Sterling, VA.
28. Putnam, Robert D. 2000, Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, New York: Simon & Schuster.
29. Rawls, John, 1990, A theory of justice, revised edition, oxford university press.
30. Reich, Robert, 1995, policy making in democracy, in the power of public ideas, edited by Robert Reich, 123-56, Cambridge, A :Harvard University press.
31. Renee A.Irvan; Jhon Stansbury, (2004)Citizen Participation in Decision Making: Is It Worth The Effort?, Public Administration Review,vol.64,No.1.
32. Suksi,Markku,Good Governance in The Electoral Process, in: Hans -Otto Sano, Gudmundur Alfredsson, And Robin Clapp, 2002,Human Rights and Good Governance, Martinus Nijhoff Publishers, The Hague/London/Newyork.
33. Schubler1996, Participation and Partnership in urban Infrastructure Management, UMP policy paper no.19world bank, Washington.
34. Terry L. Cooper; Thomas A. Bryer; Jack W. Meek, 2006, Citizen-Centered Collaborative Public Management, Special Issue, Public Administration Review.
35. The European Convention on Human Rights, ROME, 4 November, 1950, First protocol" Enforcement of certain Rights and Freedoms not included in Section I of the Convention", in: <http://www.hri.org/docs/ECHR50.html#P1>.
36. Thomas, John C. 1995, Public Participation in Public Decisions, San Francisco: Jossey-Bass.

37. Universal Declaration of Human Rights in: www.unhcr.ch/udhr/lang/eng.htm - 23k
38. Wang, Xiaohu, 2001, Assessing Public Participation in U.S. Cities, Public Performance Management Review, 24 (4): 322 – 36.
39. Weeks, Edward C, 2000, the practice of deliberative Democracy: Results from four Large- Scale Trils, Public Administration Reviews, 60(4):360-71.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی